

بررسی ویژگی‌های مدیریت و رهبری آموزشی از منظر نهج‌البلاغه

محمدعلی صالحی^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران

چکیده

رهبری از ارکان سازمان و جامعه است. از موضوعات اساسی و مباحث حیاتی نهج‌البلاغه که جملگی از مسائل جامعه انسانی محسوب می‌گردد، مسئله مدیریت و رهبری است. مدیریت و رهبری آموزشی، در بین سایر انواع مدیریت‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پژوهش حاضر با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است و با بررسی نهج‌البلاغه، مقالات، کتاب‌ها و منابع مختلف به بررسی ویژگی‌های مدیریت و رهبری آموزشی از منظر نهج‌البلاغه پرداخته است. پس از مطالعه و بررسی، نتایج نشان داده است که ویژگی‌های مدیریت و رهبری آموزشی امام علی علیه‌السلام در راستای تربیت و هدایت انسان‌ها بوده و در واقع حضرت الگویی جامع از ویژگی‌های یک رهبر آموزشی و به عنوان سرمشقی برای تمام مدیران و رهبران آموزشی معرفی شده است.

واژه‌های کلیدی: مدیریت، رهبری، رهبری آموزشی، نهج‌البلاغه، امام علی علیه‌السلام

مقدمه و بیان مسئله

از آنجا که نظام ارزشی حاکم بر هر جامعه، به عنوان کلیدی‌ترین مؤلفه تاثیرگذار بر عملیات مدیریت است، لذا تدوین اصول و مبانی مدیریت مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی برای مدیران در جهان اسلام و سازمان‌هایی که خواهان حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و معنوی در سازمان خود هستند، ضروری است. واکاوی نوع مدیریت پیامبران الهی علیهم‌السلام و همچنین آیات و روایات در مکتب الهام‌بخش اسلام؛ به‌ویژه قرآن کریم، نهج‌البلاغه و سیره نظری و عملی معصومین علیهم‌السلام، درس‌های آموختنی فراوانی به همراه دارد که با عنایت به تاثیرپذیری مدیریت از فرهنگ، پرداختن به آنها، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. از آنجا که منابع غنی اسلامی سرشار از الگوهای عملی برای مدیریت سازمان‌ها در راستای سعادت مادی و معنوی بشریت است؛ بعد از مراجعه به قرآن کریم، نهج‌البلاغه که سرآمد سایر منابع غنی اسلامی است، چارچوبی نوین، متناسب با نیازها و الزامات روز مدیریت عرضه می‌نماید (مقیم، ۱۴۰۲). رهبری از ارکان سازمان و جامعه است. مدیریت آموزشی، در بین سایر انواع مدیریت‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اگر آموزش و پرورش هر جامعه در راس همه مسائل جامعه باشد، مدیریت آموزشی نیز با همان منطق جایگاه مهمی در بهسازی و توسعه جامعه دارد. اگر مدیران آموزشی یک جامعه دارای دانش و مهارت‌های کافی باشند، بدون تردید، نظام آموزشی نیز از اثربخشی، کارایی و اعتبار بالایی برخوردار خواهد بود (میرکمالی، ۱۳۸۲).

رهبری در حوزه‌های مختلف (علوم سیاسی، مدیریت، روانشناسی، اجتماعی و ...) در مراکز مطالعاتی و تخصصی متعددی در کشورهای مختلف و عرصه بین‌المللی مورد بحث قرار گرفته، و دامنه رو به گسترش آن مراکز، مؤید اهمیت و ضرورت این موضوع است. رهبری از آن جهت مورد توجه قرار می‌گیرد که، شکست و استیلا مدیریت جوامع و سازمان‌ها شدیداً متأثر و مرهون آن بوده و مراکز پژوهشی، به دنبال کشف افراد با خصایص و رفتارهای خاص رهبری، برای تصدی مسئولیت‌های مهم در مدیریت جوامع و سازمان‌ها در آینده می‌باشند. رهبری به عنوان یکی از وظایف مدیریت و در زمره مهم‌ترین مهارت‌های مدیریت یعنی مهارت انسانی توجه صاحب‌نظران را به خود جلب کرده است. رهبری در همه وظایف مدیریت از برنامه‌ریزی گرفته تا کنترل و نظارت حضور دارد (پیروز و رستمی نیا، ۱۳۹۹: ۱۶۲). رهبری یکی از قدیمی‌ترین پدیده‌های جوامع بشری محسوب می‌شود و چنانچه رهبری را نوعی هدایت و نفوذ در رفتار دیگران بدانیم، می‌توان گفت از روزی که خداوند بشر و عالم را آفرید، رهبری و هدایت نیز آشکار گشت. در سال‌های اخیر تحقیقات زیادی نیز در موضوع مدیریت و رهبری با رویکرد اسلامی انجام شده است و بررسی آنها نشان می‌دهد بیشتر محققان از متن شریف نهج‌البلاغه برای کار خود استفاده نموده‌اند که می‌توان علت اصلی آن را وجود خطبه‌ها و نامه‌های ارزشمندی در این موضوع دانست که از امام علی علیه‌السلام در طول دوران حکومت و رهبری خود بر جامعه اسلامی صادر شده و در نهج‌البلاغه گردآوری شده است (زمانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۵-۵۶). بعد از پیامبر گرامی اسلام، امام علی علیه‌السلام - در فرصت کوتاهی که زمام خلافت را به دست گرفت - نیز در پی ایجاد حکومت، با انجام اصلاحات زیاد و نوسازی تشکیلات و احقاق حقوق انسانی، مدیریت جامعی را به اجرا گذاشت که در حقیقت اقتدار و امتداد خط نورانی مدیریت نبوی و قرآنی است (محمودیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۲). ایشان مدیر را همچون نخ تسبیح تشبیه می‌کردند که دانه‌ها را به هم پیوند می‌دهد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۲). ویژگی‌های مدیریت و رهبری آموزشی از منظر نهج‌البلاغه چه مواردی می‌باشند؟

مبانی نظری

رهبری

از میان تعاریف متعدد رهبری، تعریف جیمز لایب جامع‌تر به نظر می‌رسد: «رهبری یک فرآیند تغییر آگاهانه است که از طریق آن رهبران و پیروان، با یک هدف مشترک، اقداماتی را برای دنبال کردن یک چشم‌انداز مشترک آغاز می‌کنند» (سعیدی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۴). رهبری به زبان ساده یعنی قدرت نفوذ در افراد برای تغییر و هدایت رفتار آنها (میرکمالی، ۱۳۸۲).

مدیریت و رهبری آموزشی

مدیریت و رهبری آموزشی فرآیندی است اجتماعی که با به‌کارگیری مهارت‌های انسانی، مفهومی، تخصصی، علمی، هنری و تجربی کلیه منابع انسانی، ارزشی، مالی و تکنولوژیکی را سازماندهی و از طریق تأمین نیازهای مادی و معنوی کارکنان، معلمان و دانش‌آموزان، هدف‌ها و سیاست‌های تعلیم و تربیت را محقق می‌سازد (شهرابی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵). در اغلب کشورها، مدیریت آموزشی فعالیتی است که معمولاً خارج از سازمان‌های آموزشی (مدارس)، در رأس نظام آموزشی صورت می‌گیرد و هدف آن، جهت‌دهی و اداره کل نظام است. در واقع، نظام آموزشی به منزله یک تشکیلات اداری کشوری تلقی می‌شود که گمان می‌رود که اداره آن با همان شیوه‌های مرسوم میسر است. بنابراین، فعالیت مدیریت اصولاً به ماهیت امر آموزش و پرورش و ویژگی‌های آن توجه چندانی ندارد. در صورتی که منظور از مدیریت آموزشی عبارت است از: رهبری آموزشی در تمام سطوح نظام آموزشی، و این امر مستلزم عمل آگاهانه بر اساس شناخت دقیق فرایندهای کار و فعالیت در تمام سطوح است (علاقه‌بند، ۱۳۹۷). آنچه می‌تواند الگوی اسلامی مدیریت آموزشی را از سایر مدل‌ها متمایز سازد، نوع نگاه متعالی به تربیت انسان، نیت خالص، حفظ کرامت انسانی، برخورد عقلانی، منطقی و انسانی با مسائل آموزشی و پرورشی است (شورچی کلنگداری و همکاران، ۱۳۹۱). از موضوعات اساسی و مباحث حیاتی نهج‌البلاغه که جملگی از مسائل جامعه انسانی محسوب می‌گردد، مسئله مدیریت و رهبری است (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۱).

پیشینه پژوهش

صحابت انور و صفری (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان شناسایی مؤلفه‌های رهبری آموزشی بر مبنای آموزه‌های نهج‌البلاغه امام علی (ع) نشان داد که رهبری از منظر امام علی (ع) بر سه اصل معرفت، ایمان و عمل استوار بوده و در شیوه رهبری ایشان نقطه کانونی تمرکز در تربیت پیروان به‌ویژه رهبران، مدیران و کارگزاران می‌باشد. دیدگاه ایشان به رهبری و مدیریت دیدگاهی مردم محور است و اینکه در جوامع انسانی اساسی‌ترین کار، تعلیم و تربیت بوده و این امر مهم بر عهده رهبران آموزشی نهاده شده است.

موسی زاده و عدلی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان صلاحیت‌های شخصی مدیران در رویکرد شایسته‌گزینی با نگرشی بر نهج‌البلاغه نشان دادند که ویژگی‌های قدرت تسلط بر خویشتن هنگام برانگیختگی، قاطعیت، رازداری و عیب‌پوشی، رفق و مدارا و وفای به عهد و پیمان، از جمله صلاحیت‌های شخصی مدیران آموزشی در نهج‌البلاغه است.

بختیاری (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان مدیریت آموزشی در نهج‌البلاغه نشان داد که مدیریت آموزشی امام علی (ع) در طی حدود پنج سال حکومت ایشان با وجود جنگ‌های متعدد، بهترین نمونه و الگو برای مسلمانان و مدیران آموزشی مدارس است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است و با بررسی نهج‌البلاغه، مقالات، کتاب‌ها و منابع مختلف کوشیده، تا به بررسی ویژگی‌های مدیریت و رهبری آموزشی از منظر نهج‌البلاغه بپردازد.

سؤالات پژوهش

۱. مدیریت و رهبری آموزشی از منظر نهج‌البلاغه چه ابعاد و مضامینی را دربر می‌گیرد؟

۲. مدیران و رهبران آموزشی از منظر نهج‌البلاغه چه ویژگی‌هایی دارند؟

یافته‌های پژوهش

وظایف اساسی و ویژگی‌های مدیریت آموزشی از منظر نهج‌البلاغه (امام علی علیه‌السلام)

برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی به معنای مشخص نمودن طرح کار و نقشه برای حرکت‌های آینده می‌باشد (نبوی، ۱۳۹۵). برنامه‌ریزی، سیاستگذاری، تعیین خط‌مشی و عناوین مشابه، از جمله مفاهیمی هستند که در عرصه نظری و عملی مدیریت به کرات مورد استفاده قرار می‌گیرند و روز به روز دامنه اقبال به آنها در حال افزایش است (مقیمی، ۱۴۰۲). برنامه‌ریزی، فرایند تعیین و تعریف هدفهای سازمان و پیش‌بینی و تدارک اقدامات و وسایلی است که آن هدف‌ها را محقق می‌سازند. برنامه‌ریزی به کار مدیران و غیر مدیران جهت می‌دهد و توجه آنان را به هدف‌های سازمان معطوف می‌سازد (علاقه‌بند، ۱۳۹۵). اصولاً، مدیریت آموزشی چیزی جز پیش‌بینی راه‌ها، فراهم کردن زمینه‌ها و تأمین امکانات برای رسیدن به اهداف آموزش و پرورش نیست (میرکمالی، ۱۳۸۲).

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «عمل‌کننده‌ی بدون آگاهی و برنامه، چون رونده‌ای است که در بیراهه می‌رود، پس هر چه شتاب کند از هدفش دورتر می‌ماند و عمل‌کننده‌ی از روی آگاهی و برنامه، چون رونده‌ای بر راه راست است؛ پس بیننده باید به درستی بنگرد آیا رونده‌ی راه مستقیم است یا واپس‌گرا؟» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۴). برای درک بهتر اهمیت برنامه‌ریزی فردی و سازمانی، به برخی از سفارشات معصومین علیهم‌السلام در این زمینه اشاره می‌شود:

- امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «هیچ فرد و جامعه‌ای تا این سه موضوع را در نظر نداشته و کامل ننموده باشد، هرگز حقیقت ایمان را درک نکرده است: ۱. فهمیدن معارف و مسائل دینی ۲. داشتن صبر و تحمل در فرا راه مشکلات و مصیبت‌ها ۳. تنظیم نقشه‌ی اقتصادی (معاش) صحیح و کامل» (مقیمی، ۱۴۰۲).

- امیر مؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید: «استواری زندگی به برنامه‌ریزی نیکو و سنجه آن دوراندیشی نیکوست» (جوادی آملی، ۱۳۹۲).

- امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «أَمَارَاتُ الدَّوْلِ إِنْشَاءُ الْحَيْلِ؛ بقای مناصب و دولت‌ها مربوط به برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی در امور می‌باشد» (میزان‌الحکمه، ج ۲).

- امام علی علیه‌السلام خطاب به امام حسن علیه‌السلام می‌فرماید: «پسرم! بدان آن کس که مرکبش شب و روز آماده است، همواره در حرکت خواهد بود، هر چند خود را ساکن پندارد، و همواره راه می‌پیماید، هر چند در جای خود ایستاده و راحت باشد» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱).

- امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «دوراندیشی، نظر افکندن به عاقبت و سرانجام کارها و مشاوره و رایزنی با خردمندان است» (آمدی، ۱۳۸۴).

- امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «هنگامی که عزم و اراده با دوراندیشی همراه شد، سعادت و نیک‌بختی کامل گردد» (همان، ۱۳۸۴).

با عنایت به این کلمات گهربار می‌توان نتیجه گرفت که داشتن برنامه و برنامه‌ریزی، نوعی عاقبت‌اندیشی برگرفته از حقیقت ایمان است که از طریق آن، مرکب عزیمت به نقطه مطلوب فراهم می‌شود و زندگی بر پایه آن استوار می‌گردد (مقیمی، ۱۴۰۲).

برنامه‌ریزی، به عنوان مهم‌ترین وظیفه مدیر آموزشی با توجه به سطح سازمانی یا موقعیتی که مدیر به کار اشتغال دارد به دو سطح برنامه‌ریزی آموزشی و برنامه‌ریزی درسی تقسیم می‌شود (میرکمالی، ۱۳۸۲). ویژگی‌های استخراج شده برای مدیریت آموزشی از نهج‌البلاغه و فرمایشات امام علی علیه‌السلام در زمینه برنامه‌ریزی آموزشی و درسی که یک مدیر آموزشی می‌بایست :

کارها را بر اساس مهم‌ترین امور اولویت‌بندی کند.

به ویژگی‌های رشد، شرایط سنی و جنسی متربیان توجه داشته باشد.

در حد امکان، در زمان انجام برنامه‌ها صرفه‌جویی کند.

برای غنی‌سازی برنامه‌های آموزشی و درسی، با نخبگان و خبرگان مشورت کند.

به کوچک‌ترین واحد زمان توجه کامل داشته باشد.

بیش و پیش از اتخاذ هر گونه تصمیم و یا انجام هر اقدامی تفکر و تدبیر کند (شورچی کلنگداری و همکاران، ۱۳۹۱).

سازماندهی

سازماندهی عبارت است از فرایند نظم و ترتیب دادن به کار، و تقسیم و تخصیص آن بین اعضای سازمان به‌طوری که هدف‌های سازمانی با اثربخشی تحقق پیدا کنند (علاقه‌بند، ۱۳۹۵). امام علی علیه‌السلام در فرمان مبارک خود به مالک اشتر می‌فرماید: «ای مالک! مردم از گروه‌های گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر جز بدون دیگری امکان ندارد، و هیچ یک از گروه‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست. از آن قشرها، لشکریان خدا، نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات دادگستر، کارگزاران عدل و نظم اجتماعی، پرداخت کنندگان مالیات، جزیه‌دهندگان، تجار و بازرگانان، صاحبان صنعت و پیشه‌وران، و نیز طبقه‌ی پایین جامعه، یعنی نیازمندان و مستمندان می‌باشند، که برای هر یک خداوند سهمی مقرر داشته و مقدار واجب آن را در قرآن یا سنت پیامبر (ص) تعیین کرده که پیمانی از طرف خداست و نگهداری آن بر ما لازم است» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). برای نیل به هدف‌ها، سازماندهی گامی ضروری است و به کمک این فعالیت است که هدف کلی و مأموریت اصلی سازمان در قالب هدف‌های جزئی‌تر و وظایف واحدها شکسته و تحقق آن میسر می‌شود. سازماندهی فعالیتی مستمر و مداوم است که مدیر همواره با آن روبه‌روست (الوانی، ۱۴۰۰).

در تأیید این مطلب روایت زیبایی از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نقل می‌شود:

وَأَجْعَلْ لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْ خِدْمِكَ عَمَلًا تَأْخُذُ بِهِ فَإِنَّهُ أَحْرَىٰ أَلَّا يَتَوَاكَلُوا فِي خِدْمَتِكَ؛

برای هر یک از زیردستان و کارکنان خود کاری تعیین کن تا او را نسبت به همان کار مؤاخذه و بازپرسی کنی، زیرا این روش سزاوارتر است تا اینکه کارهایت را به یکدیگر وانگذارند (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱).

سازماندهی در مدیریت آموزشی یعنی انتخاب افراد و منابع کارآمد و مناسب و قراردادن آن‌ها در جای لازم و تعیین روابط بین آن‌ها به منظور دستیابی به اهداف نظام آموزشی (میرکمالی، ۱۳۸۲). امام علی علیه‌السلام جامعه را مجموعه‌ای نظام‌یافته

تلقی می‌کند که متشکل از نظام‌های فرعی است که تحقق هدف این سیستم یا نظام کلان، از طریق کارکردهای تک‌تک عناصر فرعی سیستم امکان‌پذیر است (مقیمی، ۱۴۰۲).

رهبری

پس از برنامه‌ریزی و سازماندهی، گام بعدی، فراهم کردن موجباتی است که اعضای سازمان را در جهت هدف‌های آن، به حرکت و فعالیت در آورد (علاقه‌بند، ۱۳۹۵). در فرهنگ اسلامی، «رهبری و امامت» عبارت از سیاستی است که اساس آن متکی بر وحی بوده و شامل همه روابط انسانی می‌گردد و بنیادها، نهادها، روابط اجتماعی، آراء، عقاید، فرهنگ، اخلاق، بینش‌ها، سنت‌ها، خواسته‌ها و بطور کلی روابط فرد با فرد، فرد با خدا، فرد با خود و فرد با طبیعت را سمت و سوی الهی می‌دهد (لک‌زایی، ۱۳۸۷). در نهج‌البلاغه در نامه‌های ۲۷ و ۵۳، خطبه ۱۴۹ و حکمت ۴۳۷ به بیان رهبری و مدیریت در نهج‌البلاغه پرداخته شده است. امام علی علیه‌السلام در نامه شماره ۱۸ خود خطاب به عبدالله بن عباس فرمان‌گذار مصر به بعضی از رفتارهای رهبر در برخورد با زیردستان اشاره کرده است: نیکویی با مردم، دور کردن ترس و بیم از دل مردم، مدارا کردن با مردم، عدم تحقیر زیردستان، عدم تدارک شرایط سخت برای زیردستان، رفتار همراه با اعتدال با زیردستان، فروتنی با زیردستان، نرم‌خویی و گشاده‌رویی با زیردستان و عدالت در برخورد توصیه شده است. همچنین در نامه شماره ۲۷، خطاب به محمد پسر ابوبکر، چون حکومت مصر را به او داد، فرمود: «به آنان فروتن باش و نرم‌خو و همواره گشاده‌رو؛ و به یک چشم بنگر به همگان» (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۰). با درنظر گرفتن رهبری به عنوان امری تأثیرگذار این مورد را به صورت بخش جداگانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش رهبری آموزشی، ویژگی‌های رهبر آموزشی با توجه به فرمایشات امام علی علیه‌السلام مورد واکاوی قرار گرفته است.

نظارت و کنترل

در مدیریت اسلامی، برای انتخاب افراد جهت واگذاری مسئولیت، نهایت دقت و حساسیت صورت می‌گیرد و پس از انتخاب، فرد از امنیت شغلی برخوردار می‌شود؛ هر چند این امنیت تا زمانی خواهد بود که فرد در حیطه مسئولیت خویش تخلف نکند و از آنچه شرع، قانون و مقررات تعیین نموده، تخلفی ننماید. در مقابل، اگر در راستای شرع و قانون حرکت کند، از بهترین تشویق‌ها و پاداش‌ها نیز بهره‌مند خواهد بود (مقیمی، ۱۴۰۲).

با واکاوی نهج‌البلاغه، در می‌یابیم که امام علی علیه‌السلام علاوه بر امر و نهی مستقیم، به خصوص در نامه‌ها و به افرادی با جایگاه اجتماعی مهم و حساس، به روش غیر مستقیم، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها را برای مخاطب تبیین و ضمن آگاهی‌بخشی، افراد را به خوبی دعوت و از بدی‌ها نهی می‌نمود. این روش به گونه‌های مختلف همچون ترغیب، توبیخ، دعا، نفرین، انذار، پرسش، اظهار شگفتی و پند و اندرز توسط امام علی علیه‌السلام صورت می‌گرفت (کریمی و آل‌علی، ۱۳۹۷). امام علی علیه‌السلام خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفادار بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانتداری و مهربانی با رعیت خواهد بود. و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تایید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده او را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او باز پس گیر، سپس او را خوار دار و خیانتکار بشمار و طوق بدنامی بر گردنش بیفکن» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

به‌طور کلی نظارت به دو شیوه‌ی نظارت درونی و بیرونی انجام می‌شود. بررسی سخنان امام علی علیه‌السلام به‌ویژه نامه‌های حضرت در نهج‌البلاغه، نشان می‌دهد که امام علی علیه‌السلام از هر دو شیوه‌ی عمده‌ی نظارت در مدیریت خود استفاده نموده است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام مدیران عالی‌رتبه‌ی خود را به نظارت درونی (خودنظارتی) سفارش فراوان می‌نمود. نظارت درونی مانع از تخلف انسان‌ها می‌شود اما این عامل در همه‌ی افراد به قدر کافی وجود ندارد و سلامت سازمان و

جامعه ایجاب می‌کند که همواره حاکم نسبت به عملکرد کارگزاران و به‌ویژه مدیران ارشد و اطرافیان و نزدیکان خود نظارت داشته باشد تا از انحراف و رخنه‌ی فساد و آلودگی جلوگیری و محیط کاری و اداری سالمی برقرار نماید. در مدیریت امام علی علیه‌السلام نیز سیستم نظارت و کنترل بیرونی به صورت فراگیر و پی‌گیر به کار گرفته شده که حضرت در سایه‌ی آن تلاش کرده است تا همه‌ی اجزای دولت و دست‌اندرکاران امور، بر محور حق و عدالت حرکت کنند (موحدی محب و جهانگیری، ۱۳۹۵؛ ۴۶).

ویژگی‌های رهبری آموزشی از منظر نهج‌البلاغه

در جهان امروز آنچه مسلم است این است که برای تغییرات اساسی در یک سازمان، باید مدیران سازمان‌ها تبدیل به رهبرانی تأثیرگذار گردند. رهبری بدین جهت بسیار مهم تلقی می‌شود که موفقیت یا شکست هر سازمانی منسوب به سبک رهبری فرد یا مجموعه افرادی است که فعالیت‌های سازمان را هدایت می‌کنند. نظام آموزشی نیز از این قاعده مستثنی نیست. بنابراین باید به فاکتورهایی مختلف مانند رهبری، مدیریت، معلم و دانش‌آموز و ... توجه ویژه داشت (تقیانی و همکاران، ۱۴۰۲). رهبری در مدیریت سه ویژگی دارد (استونر، ۱۹۸۲): اولاً، رهبری مستلزم وجود افرادی است که به عنوان زیردستان یا پیروان، دستورات رهبر را با میل و اراده بپذیرند. این پذیرش، مقام رهبر را تعریف کرده، امر رهبری را ممکن می‌سازد. بدون پذیرش زیردستان، مدیر فاقد خصوصیات رهبری است. ثانیاً، در جریان رهبری، توزیع قدرت میان رهبر و زیردستان نابرابر است. رهبر اختیار دارد که برخی از فعالیت‌های زیردستان را هدایت کند، ولی آنها نمی‌توانند فعالیت‌های رهبر را هدایت کنند. با وجود این، آنها به طرقی بر فعالیت‌های او اثر خواهند گذاشت. ثالثاً، رهبر علاوه بر اینکه به طور مشروع (قانونی) قادر به هدایت زیردستان است، همچنین می‌تواند اعمال نفوذ کند و بر رفتار زیردستان اثر بگذارد. بنابراین، برای رهبری سازمانی، شخص مدیر، علاوه بر اختیار قانونی، باید از توانایی تأثیر و نفوذ در رفتار اعضای سازمان نیز برخوردار باشد (علاقه‌بند، ۱۳۹۷).

اهمیت رهبری در اسلام را می‌توان با استناد به فرمایشات امام علی علیه‌السلام در قالب احادیث ذیل مورد توجه قرار داد:

۱. وجوب رهبری برای ساماندهی امور: امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «خداوند «امامت» را برای سازمان یافتن امور امت و فرمانبرداری از امام» را برای بزرگداشت مقام رهبری، واجب کرد «(نهج‌البلاغه، حکمت ۲۵۲).

۲. تصدی رهبری، تکلیفی الهی برای شایستگان: امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود و یاران محبت را بر من تمام نمی‌کردند، و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم (نهج‌البلاغه، خطبه ۳).

۳. نافرمانی رهبر، آفت پیروان: امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «آفت رعیت، فرمان فرمانده و زمامدار را نبردن است» (آمدی، ۱۳۸۳).

۴. فرمانبرداری، حافظ پیرو و عدالت‌ورزی، حافظ مدیریت: امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «فرمانبرداری از حاکم، سپر رعیت و بکاربردن عدالت، سپر دولت‌ها خواهد بود» (همان، ۱۳۸۳).

۵. هدایت نفس مقدم بر هدایت دیگران: امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «بهترین فرماندهان کسی است که بر نفس خویش فرمانده باشد» (آمدی، ۱۳۸۳).

۶. رهبری اثربخش در گرو پیروی اثربخش: امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «آگاه باشد! اگر دعوت شما را بپذیریم، بر اساس آنچه که می‌دانم با شما رفتار می‌کنم و به گفتار این و آن و سرزنش سرزنش‌کنندگان گوش فرا نمی‌دهم. اگر مرا رها کنید، چون یکی از شما هستم که شاید شنواتر و مطیع‌تر از شما نسبت به رئیس حکومت باشم (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۲).

رهبران و پیروان هر دو بخشی از فرایند رهبری هستند، لذا مهم است مواردی که ممکن است رهبران و پیروان را مقابل هم قرار دهد به خوبی شناخت و مطالعه کرد. از این دیدگاه هیچ شخصیتی مانند حضرت علی(ع) به آفات رهبری و مواردی که ممکن است پیروان را مقابل رهبران و یا برعکس قرار دهد نپرداخته است. سیری در نهج البلاغه بیش از پیش این دیدگاه ژرف و دوراندیش را روشن می‌سازد. در اسلام رهبری(امامت) هرگز به صورت یک مقام مطرح نبوده و تنها به عنوان یک مسئولیت بزرگ در برابر خدا نسبت به مردم معرفی شده است. با بررسی نمونه‌هایی از نهج البلاغه می‌توان به عمق این مطالب پی‌برد:

در آخرین فراز از خطبه ۳ چنین می‌خوانیم:

«... آگاه باشید سوگند به خدایی که بذر را شکافت و جان‌ها را آفرید اگر نبود حضور مردمی که برای بیعت آمده بودند و اگر نبود حجت که با آمادگی کسانی که به یاری شتافتند بر من تمام شد و اگر نبود میثاقی که خدا از علما گرفت که هرگز بر پُرخوری ظالم و گرسنگی مظلوم صحه نگذارند البته زمامداری بر شما را رها می‌کردم آنچنان که مرکبی را با انداختن ریسمانش به دوشش رها می‌کنند... در آن هنگام می‌دیدید که دنیای شما پیش من از اخلاط دماغ بز هم بی‌ارزش‌تر است».

امام در این بیان رهبری را به عنوان یک مسئولیت که از سه انگیزه غیرقابل اجتناب سرچشمه می‌گیرد تلقی می‌کند. زمامداری را به عنوان یک مقام (هرچند بلند) از ناچیزترین اشیاء نیز بی‌ارزش‌تر می‌شمارد.

امام در خطبه ۱۳۱ آنجا که خصایص رهبر را بیان می‌کند در زمینه قبول زمامداری توسط خود و نفی هر گونه قدرت طلبی و رسیدن به اضافات مادی و پذیرفتن رهبری به عنوان یک مسئولیت می‌فرماید:

«... خداوند تو خود آگاه و گواهی که آنچه از ما در قبول خلافت و امامت امت سر زد برای قدرت‌طلبی و رسیدن به اضافات مادی دنیا نبوده بلکه هدف ما این بود که عهده‌دار مسئولیت باز گرداندن آثار دین تو و اصلاح امت و سرزمین‌های تو باشیم تا بندگان مظلوم تو در امنیت به سر برند و حدود و قوانین تعطیل شده تو برپا شود».

هدف‌هایی که امام برای قبول مسئولیت خلافت و جریانات اجتناب‌ناپذیر آن بیان می‌کند کلاً وظایف سنگینی است که در برابر خدا نسبت به مردم متوجه امام می‌گردد و امام ناگزیر از انجام آن می‌باشد.

در سرآغاز خطبه ۳۳ خطاب به عبدالله بن عباس فرمود:

«بهای این کفش چقدر است؟ ابن عباس پاسخ داد: هیچ ارزشی ندارد. امام فرمود: سوگند به خدا این کفش پیش من از حکومت بر شما محبوب‌تر است مگر آنکه حقی به پا دارم و باطلی را از میان بردارم».

مطالب را صریح‌تر و رساتر از این بیان نمی‌توان گفت. اقامه عدل و دفع ظلم همان بار مسئولیت بعد از احراز مدیریت و رهبری است که هر گاه از مدیریت جدا شود و رهبری به عنوان یک مقام و پوسته مادی (هرچند فریبنده و جالب) تلقی شود از نظر امام حتی از لنگه کفش پاره نیز بی‌ارزش‌تر است.

در خطبه ۷۴ به هنگام تمایل مردم به بیعت با عثمان فرمود:

«شما خود از قبل دانسته‌اید که من از دیگران شایسته‌ترم به زمامداری(رهبری) و سوگند به خدا مادام که امور مسلمین به سلامت می‌گذرد من نیز تسلیم می‌کنم و در این صورت ستمی جز بر من نخواهد بود. این عمل من به خاطر پاداش و ارزش آن است و به جهت کناره‌گیری از چیزی که در تمایل به آن درگیر شده‌اید برای زرش و آرایشش».

جمله «لاسلمن ما مسلمت امور المسلمین» به خوبی روشن‌گر این حقیقت است که اگر اولویت‌ها و هدف‌های امامت(رهبری) توسط غیرشخص امام(رهبر) تحقق پذیرد امام(رهبر) هیچ گونه تمایلی در تصدی رهبری(حکومت) ندارد و رهایش خواهد کرد. گرچه در این صورت نیز یک فرض بیش نیست، حداقل بر امام ظلم خواهد شد. زیرا که جامعه فرد صالح‌تر

و برتر را کنار گذارده و دست به یک آزمایش خطرناک زده است و در این کناره‌گیری امام چیزی را از دست نداده بلکه پاداش و فضیلت وارستگی از درگیری‌های نافرجام دنیوی بهره‌اش خواهد شد (افجه، ۱۳۹۰).

ایمان و تقوا

ایمان قرارگرفتن باور در قلب است و از ماده «امن» گرفته شده است. امام علی علیه‌السلام ایمان را معرفت و شناخت به دل، اعتراف به زبان و انجام دادن به اعضا می‌داند (حکمت ۲۱۸). همچنین ایمان داشتن؛ یعنی گرویدن به خدا، رسول و اهل بیت او را از روشن‌ترین راه‌هایی دانسته که سعادت همیشگی را در پی دارد؛ زیرا ایمان همانند چراغ نورانی است که آدمی را به کردارهای شایسته راهنمایی می‌کند. به سبب ایمان - که ثمره آن اعمال صالح است - علم و دانایی فرد نیز افزایش می‌یابد؛ زیرا علم بدون ایمان و عمل صالح، جز دوری از رحمت خدا چیزی را بر انسان نمی‌افزاید (خطبه ۱۵۵-۱۵۶).

تقوا یکی از پربسامدترین واژه‌ها در فرمایش‌های امام علی علیه‌السلام است. آن حضرت تقوا را جایگاه حفاظتی بسیار با ارزش برای حفظ نفس از آلودگی‌ها می‌داند و از آن به «دار حصن عزیز» (خطبه ۱۵۷) یاد می‌کند و نخستین شرط مدیریت صحیح را مسئله تقوای الهی می‌داند (نامه ۵۳). بنابراین ایمان و تقوا از جمله ویژگی‌های مهم و اثربخش مدیریت و رهبری آموزشی در سازمان‌ها است. انسان مؤمن و متقی بالاترین ناظر و شاهد اعمال و رفتار آشکار و نهان خویش را خدای سبحان می‌داند؛ چراکه از جان و دل معتقد است که: «إِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ» (حکمت ۳۲۴). از این رو وظایف خویش را به گونه‌ای به انجام می‌رساند که رضایت خدا را به دنبال داشته باشد. ایمان به خدا و تسلیم در برابر فرامین الهی چنان انسان را متعهد می‌سازد که انسان نسبت به کوچک‌ترین عمل خلاف دستورهای الهی بی‌ رغبت می‌گردد. برای رهبر آموزشی مؤمن و متقی، خدا از هر قانون و ناظر و مراقب بشری بالاتر است. در حکومت اسلامی، خدامحوری و تقواگرایی، مهم‌ترین ملاک است و هر چیزی با معیار تقوا ارزیابی می‌گردد. امام علی علیه‌السلام در عهدنامه مالک اشتر، که منشور حکمرانی و مدیریت است، اصول مدیریت را از ایمان و تقوای الهی آغاز می‌کند (کمالی و معارف، ۱۳۹۵: ۷۴-۷۶).

نظم و انضباط

نظم و انضباط در زبان فارسی از نظر دلالت بر مفهوم مرتب کردن و سامان داشتن، می‌تواند به جای یکدیگر و در کنار هم به کار رود. در این صورت انضباط آن است که انسان از درون خود، خویشتن را به قاعده گیرد و ضبط کند و بپذیرد که باید خویشتن‌دار باشد و بر خود و احوال و اعمالش غالب شود، اما ولی نظم آن است که انسان با دیگران در حرکت جمعی همسویی کند و برای فعالیت گروهی آماده باشد. نظم در این نگاه، کلان‌تر از انضباط است، گستره آن فراتر از رفتار فردی است و حتی به اشیاء، ساختار، نهادها و نظایر آن نیز تعمیم‌پذیر است (لطیفی، ۱۳۹۲: ۳۵). ایجاد نظم و انضباط مطابق فرمایش امام علی علیه‌السلام یکی از اهداف قرآن کریم است. «همانا در قرآن ... نظم و انضباط میان شما، نهفته است» (خطبه ۱۵۷). نظم در کارها جامعه را به سوی سعادت رهنمون می‌کند و فقدان نظم باعث دوری و گسست سازمان‌ها از اهداف و برنامه‌های از پیش طراحی شده، خواهد بود. موفقیت یک سازمان آموزشی از طریق تلاش‌های منظم مدیران و رهبران آموزشی صادق و قابل‌انعطاف به همراه مشارکت و همکاری کارکنان و معلمان تحقق می‌پذیرد و بی‌نظمی مایه از دست رفتن فرصت‌های گران‌بها و تلاشی می‌شود. امام علی علیه‌السلام در آخرین وصایای خویش همگان را پس از تقوا به نظم در امور سفارش می‌کند، نشانگر اهمیت و جایگاه ارزشمند نظم و انضباط افراد در نظر ایشان است. (نامه ۴۷) در مدیریت امروزی نیز نظم و انضباط از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است (کمالی و معارف، ۱۳۹۵: ۷۹-۸۰).

اخلاق

اخلاق مرکزیت رهبری است و رهبران کمک می‌کنند تا ارزش‌های سازمانی را خلق و نهادینه کنند (افجه، ۱۳۹۰). اخلاق در مدیریت و رهبری آموزشی به‌ویژه نقش مدیران در رعایت اصول اخلاقی و سجایای انسانی در سازمان امری اجتناب‌ناپذیر

است و اساساً در نگاه بسیاری از صاحب‌نظران از جمله چستر بارنارد، مدیریت و رهبری به‌عنوان یک موضوع اخلاقی که شرط موفقیت آن وابسته به نظام ارزشی و اخلاقی است، معرفی می‌شود (نجفی و همکاران، ۱۳۹۹). بر اساس نامه‌های ۲۶، ۳۱، ۵۰ و ۵۳ و خطبه‌های ۱۹۲ و ۲۱۶ می‌توان در زمینه اخلاق حرفه‌ای رهبران آموزشی موارد زیر را استخراج کرد:

پرهیز از غرور و تکبر، صداقت داشتن، پرهیز از تندخویی، رفتار توأم با رأفت، بی‌اعتنا نبودن نسبت به زیردستان، پرهیز از منت‌گذاری، سعه‌صدر، وفای به عهد، امانت‌دار بودن (جوانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۰۴).

علم و دانش

امام علی علیه‌السلام علم و آگاهی را لازمه مدیریت و رهبری آموزشی دانسته و در این باره فرموده است: «سزاورترین مردمان به زمامداری ... داناترین آنها به فرامین خدا است» (خطبه ۱۷۳). حضرت در توصیه و سفارش به فراگرفتن علم و دانش می‌فرماید: «در فراگرفتن دانش بکوشید پیش از آنکه درخت آن بخشکد و پیش از آنکه به خود مشغول گردید (و در دنیا فرو روید) از معدن علوم، دانش استخراج کنید» (خطبه ۱۰۵). کسی که بدون دانش لازم بخواهد یک سازمان آموزشی را مدیریت و رهبری کند دچار افراط یا تفریط خواهد شد. به بیان امام علی علیه‌السلام «جاهل را نمی‌بینی مگر اینکه یا افراط می‌کند یا تفریط» (حکمت ۷۰). از منظر نهج‌البلاغه اصولی که یک مدیر و رهبر آموزشی را به شاخصه دانایی می‌رساند، موارد زیر می‌باشد:

هم‌نشینی و گفتگو با علما و دانشمندان (تشکیل اتاق فکر)، مشورت، تجربه، شناخت و علم به سنت‌های الهی، دوراندیشی و آینده‌نگری، تقسیم کار بر اساس علم و آموزش کارکنان (اسماعیل پور و دلشاد تهرانی، ۱۳۹۶؛ ۲۹-۴۹).

زمانی که رهبر آموزشی برای تسهیل و تکمیل امور خود به عقل رجوع می‌کند باید از لحاظ علمی و تخصصی در سطحی باشد که بتواند جوابگوی نیازها و مسائل مطرح شده باشد. ویژگی‌های متعددی در این زمینه بیان شده است. در زیر یبه ک دسته‌بندی از این ویژگی‌ها در سطوح بالای مدیریت اشاره شده است:

۱. علم به مکتب و دین

۲. شناخت کامل نسبت به وحی، قرآن، سنت، عقل و اجماع

۳. آشنایی با ارزش‌های اسلامی و موازین اخلاقی و موارث فرهنگی

۴. شناخت کامل اهداف اسلام و مدیریت

۵. آشنایی با علوم روانشناسی، جامعه‌شناسی، حقوق، سیاست، اقتصاد، آمار و ریاضیات (تخصص در زمینه مربوطه)

۶. تخصص در برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری، کنترل و ارزشیابی، ایجاد هماهنگی، ایجاد انگیزه و بودجه‌بندی سازمانی (تاج آبادی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۸-۱۹).

تاثیرگذاری و تغییر

ویژگی مقام در امتیازطلبی است که در روح رهبری که سراسر مسئولیت و تعهد است به‌دور می‌باشد و از این رو است که رهبر از همه احاد ملت متعهدتر و در برابر قانون خود را مسئول‌تر می‌داند. چنانچه در آخر خطبه ۱۷۵ می‌خوانیم:

«مردم، من به خدا سوگند شما را به اطاعت از فرمانی فرانخواندم مگر آنکه در عمل بدان بر شما پیشی گرفتم و شما را از نافرمانی و گناهی باز نداشتم مگر آنکه خود پیش از شما از آن اجتناب ورزیدم».

حضرت آنچه را مردم ناآگاه برای قدرتمندان و صاحبان مقام انجام می‌دهند که موجب نخوت آنان و فراموش کردنشان نسبت به مسئولیت‌هایشان می‌شود، سخت مورد نکوهش قرار می‌دهد. در گفتار ۳۷ از بخش کلمات قصار در این مورد می‌فرماید:

«امام به مردم شهر انبار که در مسیر شام با هیأت خاص به استقبال امام آمده بودند، فرمود: این چه کاری است که شما انجام داده‌اید؟ گفتند: این سنت و عادت است که بدان وسیله صاحب‌منصبان خود را احترام می‌کنیم. فرمود: به خدا سوگند صاحب‌منصبان شما از این عمل شما هیچ بهره‌ای نمی‌گیرند و شما بدینوسیله بر خود در دنیا سختی هموار می‌کنید و در آخرتتان بدینوسیله کار بر شما سخت می‌شود. چقدر زیانبار است مشقتی که به دنبال مجازات باشد و چه سودمند است آن گونه راحتی که همراهش امان از آتش نصیب گردد».

مدیحه‌سرایی و ثناخوانی یکی دیگر از ویژگی‌های ملتی است که دچار طبقه حاکم می‌شود و خواست کسانی است که مدیریت و رهبری را از بعد امتیاز مقام و قدرتش می‌طلبند. امام از آنجا که امامت را یک مسئولیت می‌داند برای منزّه داشتن آن از لوّث مدیحه‌سرایی و ثناخوانی در خطبه ۲۱۶ می‌فرماید:

«مردم پست در برابر رنجی که کسی برای انجام کارها متحمل می‌شود، ستایش را گوارا می‌بینند ولی شما هرگز ستایش‌های جمیل را به طرف من سرازیر نکنید زیرا من از خود بیرون آمدم و به سوی شما برای انجام وظایفی که هنوز از آنها فراغت حاصل نکرده‌ام و واجباتی که باید به اتمام برسانم. با من آنچنان که با جباران سخن گفته می‌شود، صحبت نکنید. در برابر من به نحوی که نزد پادشاهان قدرتمند تحفظ می‌شود و آمیزش شما با من به طرز چاپلوسانه نباشد و گمان نبرید که حقی که می‌شنوم برایم گران می‌آید و دچار خودبزرگ‌بینی می‌شوم».

امام این پاسخ را در برابر کسانی می‌گوید که در برابر آن همه تلاش‌ها و تحمل مشقت‌ها و فداکاری‌ها و گذشت‌ها و خون دل‌های امامشان و نیز در برابر علم و شجاعت و خصائص برتر و بالاخره در مقابل ابعاد نامحدود شخصیت او زبان به سپاس و ستایش گشوده‌اند و امام را فقط در موضع امامتش می‌ستایند. چرا که امام پیش از آنکه به موضع خویش بنگرد که پاک است و معصوم موضع امتی را می‌نگرد که برای همیشه باید از منجلاب ستایشگری و چاپلوسی به دور باشد تا رهبران طمع نورزند و در هوس نیافتند (افجّه، ۱۳۹۰).

سعه‌صدر

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «بردباری و تحمل سختی‌ها، ابزار ریاست است» (حکمت ۱۷۶). رهبر آموزشی که سعه‌صدر دارد و نگرش وی به پست و مقام، اخروی است، از جایگاه خود صرفاً برای آباد کردن دنیای خود بهره نمی‌برد بلکه می‌کوشد تا در کنار هم دنیا و آخرت خویش را بهبود بخشد. برخورداری از سعه‌صدر سبب می‌شود تا از مدیریت و امکانات آن در راستای اعتلای خود، افراد (کارکنان) و جامعه بهره جست، چرا که به شدت ظاهریینی را نفی کرده و نسبت به همه انصاف دارد (تاج آبادی و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۸-۲۹). از ویژگی‌های مهم مدیران و رهبران آموزشی سعه‌صدر است، کسی دارای سعه‌صدر است که از گشادگی روح و همتی عالی و اندیشه‌ای بلند برخوردار باشد. سعه‌صدر موجب دوراندیشی و واقع‌نگری مسئولان و مدیران می‌شود و اگر دولت‌مردان فاقد این خصلت باشند، از عهده‌ی بسیاری از مشکلات و نارسایی‌ها برنخواهند آمد. یک مدیر اسلامی باید بداند که در مصدر امور با فراز و نشیب‌های گوناگونی مواجه بوده و برای دستیابی به اهداف سازمان، سختی‌های فراوان در پیش دارد و اگر حوصله، بردباری و بلندهمتی را سلاح خود نسازد در اثر فشارهای جانبی و

پیشامدهای ناگوار حرکات غیرمترقبه‌ای از خود نشان می‌دهد که بعضاً اعتبار مدیریت و رهبری او را زیر سؤال می‌برد. سعه صدر آن قدر مهم است که امام علی علیه السلام آن را ابزار حکومت می‌دانند (خسروی، ۱۳۷۸: ۴۰).

عدالت

در نظر امام علی علیه السلام عدالت قرار دادن هر امری در موضعش است، براین اساس احقاق حقوق، اصلاح امور، اجرای حدود، انصاف، تقوا، میزان، رسیدگی به مردم، مبارزه با ستم، مساوات و برابری را در همه حوزه‌ها شامل می‌شود (حکمت ۴۳۷). مدیر و رهبر آموزشی در جامعه اسلامی اگر عدالت را اجرا نماید نگاه مردم و کارکنان سازمان آموزشی به نظام آموزشی خوش‌بین شده و باعث بقای نظام خواهد شد هر چند این عدالت برای عده‌ای ناخوشایند است، اما برای عموم مردم مطلوب و خوشایند می‌باشد. امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «در اجرای عدالت گشایش است و اگر کسی از عدل به تنگ آید، ستم را سخت‌تر یابد» (خطبه ۱۵). امام همچنین در سفارش به مأموران مالیات، رعایت انصاف را مورد تأکید قرار می‌دهند: «در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید» (نامه ۵۱) و در عهدنامه مالک اشتر، برقراری عدالت را موجب روشنی چشم مدیران و رهبران می‌دانند: «و همانا برترین روشنی چشم زمامداران، برقراری عدل در شهرها و روستاهاست» (نامه ۵۳). اشاره به اینکه گسترش عدل و داد، سبب پیوند عاطفی میان مردم و رهبران آموزشی می‌شود (حمادی و ذاکر سواعدی، ۱۴۰۲: ۵). در کلام ۱۲۶ وقتی امام را به خاطر برقرار نمودن سیره مساوات مورد نکوهش قرار می‌دهند، می‌فرماید:

«شما مرا وادار می‌کنید که پیروزی را با ظلم به دست آورم نسبت به آنها که زمام امورشان به دست من افتاده است. سوگند به خدا هرگز به این کار نزدیک نخواهم شد اگر مال از آن خودم بود بین همه آنها مساوات قائل می‌شدم تا چه رسد که مال متعلق به خداست».

«طلب النصر بالجور» همان اصالت دادن به مقام و قدرت و کوشش کردن در حفظ آن دو تا آنجا که برای رسیدن به مقام و قدرت و پیروزی بر موانع و مشکلات راهی جز ظلم نماند و هدف وسیله را توجیه کند! و عبارت «بالجور فیمن و لیت علیه» این حقیقت را بازگو می‌کند که رهبری مردم نیز مانند امانتی است که به رهبر واگذار شده تا مسئولیت امانتداری را انجام دهد و این هرگز با ظلم سازگار نیست گرچه تنها راه باشد و ترک آن مشکلاتی در ادامه رهبری برای رهبر ایجاد کند (افجی، ۱۳۹۰).

شجاعت

در نامه ۶۲ که امام به مردم مصر نوشته، تلاش خود را در سرکوبی دشمنان چنین توجیه و تفسیر می‌کند:

«من از دشمنی‌ها و مخالفت‌ها واهمه ندارم و در حق بودن راهم و در گمراهی دشمنانم شکی به دل راه نمی‌دهم ولی نگرانی من از این است که کار این امت من دست ابلهان و بدکاران بیافتد و مال خود بین خود دست به دست بگردانند و بندگان خدا برده کنند و با شایستگان بجنگند، گنهکاران را در حزب خویش قرار دهند...».

شجاعت یکی از ویژگی‌های مهم برای مدیران و رهبران آموزشی می‌باشد تا بتوانند از حق دفاع نمایند و علیه خلاف و ناحقی مبارزه نمایند. امام علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر، به او می‌فرماید که به اهل شجاعت بپیوند و آن‌ها را به عنوان کارگزار انتخاب نماید (قوچانی، ۱۳۷۴: ۱۳۷).

تجربه و تخصص

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «در به کارگیری و استخدام عملان و مسئولان هیچ شفاعتی (معیاری) غیر از شفاعت کاردانی و تخصص و امانت‌داری آنها را نپذیر». حضرت امیر در این گفتار علاوه بر بیان ویژگی تجربه و تخصص برای مدیران و رهبران آموزشی به یک نکته اساسی و مبتلا به همه جوامع در همه اعصار اشاره فرموده است و آن عدم پذیرش واسطه‌ها است. پذیرش توصیه از این و آن و تقدم رابطه بر ضابطه و ترجیح سفارش بر شایستگی و کفایت، پدیده شومی است که در صورت

رواج پیدا کردن در نظام اداری و آموزشی، موجب ناکارآمدی آن گشته و با بحران مشروعیت مواجه می‌گردد. برخورداری از علم و تجربه نیز جزء ویژگی‌هایی است که مورد سفارش واقع شده است. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «عقل غریزه‌ای است که با آگاهی و تجربه افزایش می‌یابد». عقل انسان از جایگاه والایی برخوردار است. این عقل با این عظمت برای تقویت تکاملش به علم و تجربه نیازمند است (کمالی و معارف، ۱۳۹۵: ۸۴).

ارتباط

در نهج‌البلاغه و از دیدگاه حضرت علی علیه‌السلام ارتباطات نقش محوری را در روند تکامل انسان دارد. ارتباطات در روند فعالیت‌های یک مدیر و رهبر آموزشی از اهمیت خاصی برخوردار است. اساس مدیریت مبتنی بر ارتباط است و مدیریت بدون ارتباط معنایی ندارد. اما مفاهیم ارتباطات در علوم انسانی غیردینی تنها به بخش ارتباط انسان با دیگران به صورت فردی و جمعی بحث و نظریه‌سازی شده است و این امر برای تبیین کامل مفهوم ارتباطات انسانی امری جزئی بود و تنها بخشی از گستره ارتباط انسانی را پوشش می‌دهد و از آنجا که اسلام در تمامی مراحل تربیتی خود تکامل و رشد تعالی انسان را در نظر دارد پس فرآیند ارتباط انسانی را نیز بر این اساس طرح‌ریزی نموده است و ابعاد ارتباط انسانی می‌تواند منبعی برای هدایت و سعادت انسان شود و ارتباط متقابل خدا و انسان، جامعه و طبیعت از مهم‌ترین اصل در فلسفه تربیت قرآنی است که راه رشد و سعادت بشری را همراه دارد. از این‌رو در منابع دینی تعاملات انسان به چهار گونه تقسیم شده است. ارتباط با خدا، با خود، با طبیعت و با دیگران. باید توجه داشت که ارتباطات چهارگانه انسان چندان قابل تفکیک نیست. از این‌رو در عموم دستورات دینی خداوند خواسته که انسان در سایه ایجاد و تنظیم ارتباط با خود، با طبیعت و با دیگران به سوی او تقرب جوید و به سعادت واقعی نائل شود. امام علی علیه‌السلام اصول اخلاقی را در کامل‌ترین صورت بر مبنای ارتباط انسان با خدا، دیگران، خود و طبیعت بنا کرده‌اند (نجفی و همکاران، ۱۳۹۹). امام علی علیه‌السلام در نامه ۵۰ در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «تا می‌توانی با پرهیزکاران و راست‌گویان بپیوند و آنان را چنان پرورش ده که تو را فراوان نستانند و تو را برای اعمال زشتی که انجام ن داده‌ای تشویق نکنند که ستایش بی‌اندازه خودپسندی می‌آورد و انسان را به سرکشی وادار» (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۷).

امام علی علیه‌السلام ویژگی‌هایی را برمی‌شمارد که بایستی رهبر آموزشی فاقد آن باشد و یا به عبارتی رهبر آموزشی بایستی صفاتی مقابل این صفات داشته باشد: ۱- بخل ۲- نادانی ۳- ستمگری ۴- بی‌عدالتی ۵- خروج از سنت رسول خدا. همچنین، در نامه شماره ۵۳، امام علی علیه‌السلام به ویژگی رازداری رهبری با این جمله اشاره می‌کند: از رعیت آنان را که عیب‌جو‌ترند از خود دور کن، زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است (امیریان زاده، ۱۳۸۳: ۱۸).

انگیزش

انگیزش، یکی از موضوعات مهم و پایه‌ای در مدیریت و رهبری آموزشی است. موفقیت مدیریت، سازمان و افراد آن تا حدود زیادی به انگیزش نیروهای انسانی بستگی دارد. اهمیت انگیزش آنقدر زیاد است که چهار موضوع اساسی آموزشی و پرورشی یعنی یادگیری، رشد، شخصیت و هیجان تحت تأثیر انگیزش قرار دارد (میرکمالی، ۱۳۸۲). رهبری فرایندی است که ضمن آن مدیریت سازمان می‌کوشد تا با ایجاد انگیزه و ارتباطی مؤثر انجام سایر وظایف خود را در تحقق اهداف سازمانی تسهیل و کارکنان را از روی میل و علاقه به انجام وظایفشان ترغیب کند. از این‌رو رهبری در مفهوم سازمان به عنوان جزئی مجزا و مستقل از مدیریت مطرح نیست، بلکه یکی از وظایف عمده و اصلی آن به‌شمار می‌آید. هر مدیری علاوه بر وظایفی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی و کنترل باید انجام این وظیفه؛ یعنی هدایت افراد سازمان، را نیز عهده‌دار شود. مهم‌ترین نکته در رهبری، جهت‌دادن و نفوذ بر اعضای سازمان است. رهبری مستلزم نفوذ کردن و اثرگذاری بر افراد است و مدیر در نقش رهبر کسی است که بتواند بر افراد تحت سرپرستی خود نافذ و مؤثر باشد (الوانی، ۱۴۰۰).

مطابق تعلیم نهج البلاغه، بینش انسان به مسائل در همه زمینه‌های شخصی، اجتماعی، مدیریتی، رهبری و بینشی به بلندای آخرت است؛ یعنی انسان در همه کارها و فعالیت‌های خود نظری به آخرت دارد. بنابراین انگیزش وی نیز مطابق همین بینش خواهد بود. اگر بناست به همه مسائل حتی در مدیریت و رهبری آموزشی، نگاه اخروی داشته باشیم، در این صورت این ویژگی و معیار انگیزش در رهبری آموزشی، معیار و میزانی الهی خواهد بود. امیرمؤمنان علیه‌السلام در این زمینه فرمودند: «أَلْغَنِي وَالْفَقْرُ بَعْدَ الْعَرَضِ عَلَى اللَّهِ» (حکمت ۴۵۲) (عبیات و مطوری، ۱۳۹۴: ۶۵).

شناخت نسبت به جایگاه معلم و شاگرد در کلام امام علی علیه‌السلام

عالم و متعلم در مکتب اسلام از منزلت والایی برخوردارند؛ به گونه‌ای که سعادت و نیکبختی هر جامعه‌ای در گرو رعایت حقوق آن دو می‌باشد. امام علی علیه‌السلام درباره منزلت دانشمند می‌فرماید: «دانشمند زنده است، گرچه مرده باشد». حضرت درباره مقام دانشجو می‌فرماید: «رسول خدا (ص) فرمود: کسی که به جاده علم و دانش قدم نهد خداوند او را به سوی بهشت رهنمون خواهد کرد و فرشتگان بال و پر خویش را با میل و رغبت زیر پاهای اهل علم می‌گسترانند و تمام موجودات آسمان و زمین، حتی ماهیان دریا، برای طالب علم استغفار می‌کنند». (شاهرخی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۸-۳۹). در آموزه‌های نورانی امیرمؤمنان علیه‌السلام معلم با توجه به نقشی که در ارتقای سطح علمی و فرهنگی دانش‌آموزان دارد از احترام ویژه‌ای برخوردار است. از این رو بر شاگردان لازم است که در مقابل معلم یکسری وظایف و تکالیف را رعایت نموده و در عمل به آن‌ها بکوشد، چرا که توجه نکردن دانش‌آموزان به حقوق معلم موجب رکود و بی‌بهره ماندن آن‌ها از علم و دانش می‌شود. در ادامه به برخی از حقوق ویژه معلم بر دانش‌آموزان در کلام امام علی علیه‌السلام اشاره می‌شود:

۱. اطاعت کردن
۲. تکریم معلم
۳. خوب گوش دادن
۴. پرسش کردن
۵. پاسخ نگفتن به پرسش‌های دیگران
۶. رعایت حال معلم به هنگام خستگی
۷. مؤدبانه نشستن
۸. مجالست و معاشرت
۹. عفو کردن
۱۰. به احترام معلم از جای بلند شدن
۱۱. مصونیت حیثیت و آبرو
۱۲. سلام کردن
۱۳. رجوع به صاحبان علم
۱۴. اصرار در پاسخ پرسش نداشتن
۱۵. راز نگه‌دار بودن
۱۶. خدمتگزار معلم بودن
۱۷. اشاره نکردن به معلم

در فرهنگ اسلام همانطور که برای معلم و آموزگار حقوقی در نظر گرفته شده، متعلم نیز به نوبه خود از حقوقی ویژه برخوردار است، که اساتید و معلمان در برخورد با شاگردان خویش باید با تأسی به ائمه اطهار علیهم‌السلام از آنان سرمشق بگیرند. برخی از حقوق ویژه دانش‌آموزان بر معلم عبارت‌اند از:

۱. راستگویی
۲. نظم و انضباط
۳. آراستگی ظاهر
۴. سعه صدر
۵. خیرخواهی
۶. مراعات شایستگی مخاطب
۷. رعایت عدالت و مساوات
۸. لطف و محبت
۹. ایجاد روحیه تفکر و تعقل
۱۰. تعلیم
۱۱. اعتراف به جهل

حقوق متقابل معلم و شاگرد از نظر امام علی علیه‌السلام:

۱. تواضع
۲. لزوم خلوص نیت در طریق تعلیم و تعلم
۳. وقت‌شناسی در سخن گفتن و خاموشی
۴. فراگیری دانش
۵. گستاخی و درشتی نکردن
۶. مشورت کردن (شاهرخی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۹-۵۶).

توسعه یادگیری پایدار

مضامین مرتبط با توسعه‌ی یادگیری پایدار که از نهج البلاغه استخراج گردیده است:

ارائه‌ی رهنمودهای عملکردی، یادگیری دانش اثربخش، هم‌راستایی آموزه‌ها با فطرت انسانی، التزام عملی به آموخته‌ها، خودسازی قبل از آموزش دیگران، انتقال آموخته‌ها به دیگران، رعایت اخلاق آموختن، تقویت و تشویق روحیه‌ی آموختن، تلاش

بی‌وقفه در مسیر علم‌آموزی، عبرت‌آموزی، بهره‌گیری از قرآن، بهره‌گیری از تعالیم اهل‌بیت، یادگیری از تجربیات خود و دیگران و کسب دانش از منابع متعدد (جوانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۰۵).

نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن این نکته که اکنون، عصر مدیریت و رهبری است، می‌توان گفت با آن که همه مدیریت‌ها به نوبه و در جای خود مهم و ارزشمند هستند، با مقایسه‌ای ساده متوجه می‌شویم که هیچ یک به اندازه مدیریت آموزشی حائز اهمیت نیست. در کشور ما با توجه به تعالیم دین اسلام به یک نقشه‌ی راه، یک الگو و سبک برای رهبری آموزشی نیازمندیم. محققان و صاحب‌نظران مدیریت در ایران نهج‌البلاغه را بعد از قرآن به عنوان یک الگوی برجسته و بی‌نظیر معرفی کرده‌اند که شایسته است مدیران و رهبران آموزشی نیز با مطالعه و پژوهش در این اثر ارزشمند با ویژگی‌های مدیریت و رهبری آموزشی آشنا شده و در عمل به کار گیرند. مدرسه و آموزش و پرورش سازمانی‌هایی هستند که مدیریت در آن‌ها در تربیت کودکان و شکل‌گیری شخصیت آن‌ها دخالت و نفوذ چشمگیر دارد. پیشرفت هر ملت و جامعه‌ای در گرو نوع و چگونگی فعالیت‌هاست که در مدارس انجام می‌گیرد و اثر مدیریت به عنوان رهبری آموزشی در نظام آموزشی را نمی‌توان نادیده گرفت. تعالیم مدیریتی امام علی علیه‌السلام نیز در راستای تربیت و هدایت انسان‌ها بوده و در واقع حضرت الگویی از ویژگی‌های یک رهبر آموزشی بوده و سرمشقی برای تمام مدیران و رهبران آموزشی هستند. یک رهبر آموزشی با داشتن ویژگی‌هایی مانند ایجاد انگیزه در معلمین و شاگردان، نظم و انضباط، رعایت حقوق و آزادی افراد، جلب نظر و همکاری اولیاء، و همچنین به‌کارگیری روش‌های درست تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و کنترل و ... می‌تواند افراد شایسته‌ای را تربیت و آموزش و پرورش را متحول کند و اینگونه در جامعه‌ای تحول ایجاد کند.

این کتاب گران‌سنگ آن‌قدر مفاهیم و تعالیم ارزشمندی در زمینه مدیریت و رهبری آموزشی در خود دارد که پیشنهاد می‌شود پژوهشگران، مدیران و رهبران آموزشی از این تعالیم در راستای تربیت مدیران و رهبران آموزشی آینده کشور استفاده کنند. و چه شایسته است که منابع مدیریتی رشته‌های مختلف دانشگاه فرهنگیان (تربیت معلم)، که معلمان و رهبران آموزشی آینده را تربیت می‌کند، با پژوهش‌هایی دقیق و جامع‌تر از منظر نهج‌البلاغه و قرآن تدوین و تدریس شود.

منابع

۱. نهج‌البلاغه (۱۳۸۴)، ترجمه محمد دشتی، قم: موسسه فرهنگی پژوهش‌های امیرالمؤمنین (ع).
۲. نهج‌البلاغه (۱۳۸۶)، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳. نهج‌البلاغه (۱۳۹۷)، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. آمدی، ناصح‌الدین (۱۳۸۳)، غررالحکم (گفتار امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام ج ۲)، ترجمه: سید حسین شیخ‌الاسلامی، قم: انتشارات انصاریان.
۵. آمدی، ناصح‌الدین (۱۳۸۴)، غررالحکم و درر الکلم آمدی، ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. اسماعیل‌پور، مهدی، دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۶)، شاخصه دانایی در مدیریت موفق بر پایه آموزه‌های نهج‌البلاغه، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های نهج‌البلاغه، سال شانزدهم، شماره ۵۳، تابستان ۱۳۹۶، صص ۲۹-۴۹.
۷. افجه، سید علی‌اکبر (۱۳۹۰)، رهبری سازمانی، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
۸. الوانی، سید مهدی (۱۴۰۰)، مدیریت عمومی، تهران: نشر نی.

۹. امیریان زاده، مژگان (۱۳۸۳)، رهبری در نهج البلاغه، مجله تدبیر، شماره ۱۵۰، صص ۱-۲۲.
۱۰. پیروز، علی آقا، رستمی نیا، محمد اسمعیل (۱۳۹۹)، رهبری کارکنان سازمان بر اساس آموزه‌های علوی و اعتبارسنجی آن، فصلنامه علمی پژوهش‌های نهج البلاغه، شماره ۶۶، سال نوزدهم، صص ۱۶۱-۱۹۶.
۱۱. تاج آبادی، حسین، بنایی، علی و بروجی، کوروش (۱۳۹۹)، فصلنامه علمی پژوهش‌های نهج البلاغه، سال نوزدهم، شماره ۶۷، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۱-۳۵.
۱۲. تقیانی، مسعود، اولادیان، معصومه، و صفری، محمود (۱۴۰۲)، شناسایی عوامل تشکیل دهنده مدیریت مدرسه‌محوری مبتنی بر ارزش‌های اسلامی - ایرانی، فصلنامه مدیریت و چشم‌انداز آموزش، سال پنجم، شماره ۲، صص ۱۴۴-۱۶۷.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، تفسیر انسان به انسان، قم: انتشارات اسراء.
۱۴. جوانی، ملیحه، علامه، سید محسن، صفری، علی و شاملی، نصرالله (۱۴۰۲)، تبیین مضمون‌های مدیریت عملکرد کارکنان از منظر نهج البلاغه، نشریه علمی مدیریت اسلامی، سال سی و یکم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲، صص ۱۸۹-۲۲۳.
۱۵. حمادی، عبدالامام، ذاکر سواعدی، سهام (۱۴۰۲)، تأثیر اخلاق در مدیریت از منظر نهج البلاغه، چهارمین کنفرانس بین‌المللی و پنجمین همایش ملی یافته‌های نوین در مدیریت، روانشناسی و حسابداری، دانشگاه تهران، ۲۹-۳۰ آذر ۱۴۰۲.
۱۶. خسروی، محمود (۱۳۷۸)، ملاک‌های انتخاب و انتصاب نیروی انسانی در مدیریت اسلامی با تأکید بر نهج البلاغه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و مدیریت، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۷. زمانی، محسن، نجاری، رضا، عابدی جعفری، حسن، و ضماهنی، مجید (۱۴۰۰)، اکتشاف الگوی رهبری امام علی علیه‌السلام از عهدنامه مالک اشتر، فصلنامه علمی پژوهش‌های نهج البلاغه، سال بیستم، شماره ۷۱، زمستان ۱۴۰۰، صص ۵۱-۹۲.
۱۸. سعیدی، عبدالملک، نوروزی، محمد تقی و شفیعی، عباس (۱۴۰۲)، طراحی الگوی رهبری خدمتگزار از دیدگاه قرآن، نشریه علمی مدیریت اسلامی، سال سی و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، صص ۱۱-۸۶.
۱۹. شاه‌رخ، سید علاءالدین، عظیمی، میراحمد، و قلی‌پور، پروانه (۱۴۰۲)، الگوی کاربردی حقوق متقابل معلم و شاگرد از منظر امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، فصلنامه علمی پژوهش‌های نهج البلاغه، سال بیست و دوم، شماره ۷۶، بهار ۱۴۰۲، صص ۳۵-۶۰.
۲۰. شورچی کلنگداری، جاوید، حقانی، محمود، جعفری، پریوش و نیرو، محمد (۱۳۹۱)، نخستین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، تهران، ۱۳۹۲.
۲۱. شهرابی فراهانی، مریم، خسروی بابادی، علی‌اکبر و خورشیدی، عباس (۱۳۹۹)، شناسایی الگوی رهبری آموزشی مدیران مدارس (مطالعه موردی: دوره اول ابتدایی شهر تهران)، مجله مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، سال سیزدهم، شماره ۲، صص ۲۶۵-۲۹۸.
۲۲. عبیات، عطی، مطوری، علی (۱۳۹۴)، مبانی مدیریت توانساز در نهج البلاغه، مجله بصیرت و تربیت اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۹۴، صص ۴۳-۷۵.
۲۳. علاقه‌بند، علی (۱۳۹۵)، مدیریت عمومی، تهران: نشر روان.
۲۴. علاقه‌بند، علی (۱۳۹۷)، مقدمات مدیریت آموزشی، تهران: نشر روان.
۲۵. قوچانی، محمود (۱۳۷۴)، فرمان حکومتی پیرامون مدیریت، شرح عهدنامه امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) به مالک اشتر، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲۶. کریمی، محمود، آل علی، مهناز (۱۳۹۷)، شیوه‌های کارآمد نظارت اجتماعی در نهج البلاغه، دوفصلنامه

- علمی - پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، سال دهم، شماره ۱۹.
۲۷. کمالی، علیرضا، معارف، مجید (۱۳۹۵)، بررسی معیارهای گزینش مدیران از دیدگاه امام علی علیه السلام، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های نهج‌البلاغه، سال پانزدهم، شماره ۵۰، پاییز ۱۳۹۵، صص ۷۳-۸۹.
۲۸. لطیفی، میثم (۱۳۹۲)، مبانی و اصول نظم و انضباط در سازمان، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۹. لک زایی، نجف (۱۳۸۷)، اندیشه سیاسی آیت الله مطهری، قم: موسسه بوستان کتاب.
۳۰. محمودیان، حمید، ساجدی، علی محمد و فقیهی، طاهره بیگم (۱۳۹۴)، نظارت و کنترل از نگاه مدیریتی امام علی علیه السلام، فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴، صص ۱۹۱-۲۱۲.
۳۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸)، رستگاران، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
۳۲. مقیمی، سید محمد (۱۴۰۲)، اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، تهران: انتشارات راه دان.
۳۳. موحدی محب، عبدالله و جهانگیری، مهری (۱۳۹۵)، سیستم نظارت بر مدیران در مدیریت علوی با تأکید بر نهج‌البلاغه، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های نهج‌البلاغه، سال پانزدهم، شماره ۴۸، بهار ۱۳۹۵، صص ۹-۱۸.
۳۴. میرکمالی، سید محمد (۱۳۸۲)، رهبری و مدیریت آموزشی، تهران: نشر یسپرون.
۳۵. نبوی، محمد حسن (۱۳۹۵)، مدیریت اسلامی، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۳۶. یعقوبی، ابوالقاسم، عروقی موفق، اکبر و فتحی، فتانه (۱۳۹۷)، سبک‌های مدیریت در نهج‌البلاغه، فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، سال ششم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۷، صص ۵۷-۷۶.